

جهانی در خلوت تنهایی

بررسی آرا و نظریه‌های ادبی استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب

محمد رضا شعبانی



جهانے در خلوت تنہاے

بررسی آراء و نظریہ‌های ادبی استاد دکتر عبدالحسین زرّین کوب

مؤلف:

محمد رضا شعبانی



سرشناسه	: شعبانی، محمدرضا، ۱۳۴۹
عنوان و نام پدیدآور	: جهانی در خلوت تنهایی : بررسی آرا و نظریه‌های ادبی استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب/ مولف محمدرضا شعبانی.
مشخصات نشر	: تهران : زوار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۸۹۸ ص.
شابک	: 978-964-401-578-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: بررسی آرا و نظریه‌های ادبی استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب.
موضوع	: زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۰۱ - ۱۳۷۸. -- نقد و تفسیر
موضوع	: نقد ادبی -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Literary criticism -- Iran -- Addresses, essays, lectures*
موضوع	: نقد ادبی -- ایران
موضوع	: Literary criticism -- Iran*
رده بندی کنگره	: PIRA۰۷۶
رده بندی دیویی	: ۶۲/۴۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۶۵۵۹۷



انتشارات زوار

■ جهانی در خلوت تنهایی ■

بررسی آرا و نظریه‌های ادبی استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب

■ مؤلف: محمدرضا شعبانی ■

■ صفحه‌آرایی: مریم جهانتاب ■

■ طراح جلد: قلی‌زاده ■

■ نوبت چاپ: اول؛ بهار ۱۳۹۹ ■

■ شمارگان: ۵۵۰ نسخه ■

■ چاپ / صحافی: نقره‌آبی / فرد ■

■ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۱-۵۷۸-۶ ■

■ تهران؛ خیابان انقلاب؛ خیابان دوازدهم فروردین؛ نبش شهید نظری؛ پلاک ۲۷۸ ■

■ تلفن: ۶۶۴۶۲۵۰۳-۶۶۴۸۳۴۲۳-۶۶۴۸۳۴۲۴ ■

قیمت: ۱۷۵۰۰۰ تومان

تقدیم به روان زنده‌یاد دکتر احمد ابومحبوب
نخستین معلّمی که مرا با نام استاد دکتر عبدالحسین زرّین کوب
و آثار گرانقدرش آشنا ساخت، یادشان گرامی!

فهرست مطالب

تشکر و قدردانی.....	۱۵
سخنی با خوانندگان (اهداف بنیادی و فلسفی این کتاب).....	۱۷
۱: زرین کوب اودیسه ادبیات نوین ایران.....	۱۹
از دهلیز دبستان کمال تا غربت غربی فرانسه.....	۲۱
۲: مبانی مقدماتی و نظری نقد ادبی.....	۳۳
مقدمات نظری - نظریه و نظریه پردازی.....	۳۵
نظریه پردازی برای ادبیات در حکم فلسفه.....	۳۹
نگرش افلاطونی در بعضی حوزه های ادبیات.....	۴۰
مقدمات ضروری نقد ادبی و نظریه پردازی.....	۴۶
زرین کوب و جایگاه وی در نظریه پردازی ادبی.....	۵۴
بازسازی ادبیات یکی از شگردهای پژوهشی عبدالحسین زرین کوب.....	۵۷
دکتر عبدالحسین زرین کوب صاحب آرا و نظرات ادبی مخصوص به خود.....	۶۱
آثار عبدالحسین زرین کوب و وجاهت ادبی.....	۶۳
تقسیم بندی آثار استاد بر مبنای موضوعی.....	۶۴
۳: آثار مرتبط با نقد ادبی.....	۶۷
تحلیل و بررسی فلسفه شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری در ایران.....	۶۹
گفتار اول - ماهیت و تطور شعر و شاعری.....	۶۹
گفتار دوم - اشعار غنایی.....	۷۲
تأثیر تهاجمات و جنگ ها در ایجاد و تأثیر آن بر شعر و ادب.....	۷۵
گفتار سوم - چامه.....	۷۸
گفتار چهارم - اشعار حماسی.....	۷۹
ادب تطبیقی در رساله فلسفه شعر.....	۸۳
یک سوء تعبیر درخصوص منظومه یوسف و زلیخا.....	۸۴

- حافظ در رساله فلسفه شعر و شبهه پارسی‌نژاد در این باره..... ۸۵
- گفتار پنجم - اشعار صوفیانه و عرفانی..... ۸۷
- سخنی در باب منشأ تصوف در فلسفه شعر..... ۸۸
- تحلیل و بررسی مقاله «آشتی با ادبیات»..... ۹۲
- آشتی با ادبیات؛ عبدالحسین زرّین‌کوب ۱۳۲۵..... ۹۲
- نقد و ارزیابی مقاله «آشتی با ادبیات» دکتر عبدالحسین زرّین‌کوب..... ۹۴
- ادبیات در محکمه تاریخ؛ عبدالحسین زرّین‌کوب ۱۳۲۶..... ۱۰۰
- ادبیات در قرون وسطی؛ وردن. ل. سولنیه - ترجمه عبدالحسین زرّین‌کوب ۱۳۲۸..... ۱۰۵
- رئوس ادبیات فرانسه در قرون وسطی..... ۱۰۶
- ادبیات فرانسه در رنسانس وردن. ل. سولنیه؛ ترجمه عبدالحسین زرّین‌کوب ۱۳۳۹..... ۱۱۲
- عمده‌ترین رئوس کتاب ادبیات فرانسه در دوره رنسانس..... ۱۱۲
- ارسطو و فن شعر؛ ترجمه و تألیف عبدالحسین زرّین‌کوب ۱۳۳۷..... ۱۱۶
- ۱- بررسی فن شعر و بیان ریشه‌های بنیادی آن..... ۱۱۶
- ۲- آرا و نظریه‌های زرّین‌کوب در خصوص رساله فن شعر ارسطو..... ۱۲۱
- ۳- نظر زرّین‌کوب در خصوص کاتارسیس..... ۱۲۷
- ۴- معایب احتمالی فن شعر و نظر زرّین‌کوب در این باره..... ۱۳۳
- ۵- ترجمه‌های مختلف فن شعر ارسطو به فارسی..... ۱۳۷
- شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب سال ۱۳۴۶..... ۱۴۱
- ۱- نظر قطعی زرّین‌کوب در باب شعر واقعی..... ۱۴۲
- ۲- نظرات ادبی زرّین‌کوب در شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب..... ۱۴۴
- شعر و ادب..... ۱۴۶
- شناخت شعر..... ۱۴۶
- نظر زرّین‌کوب در خصوص شعر و شاعری در ایران پیش از اسلام..... ۱۵۲
- قافیه‌اندیشی شعر نو و وزن شعر پیش از اسلام در نظر عبدالحسین زرّین‌کوب..... ۱۵۶
- نظر زرّین‌کوب در باب زبان آرکائیک اخوان ثالث..... ۱۶۲
- عدم رشد شعر و هنر نمایشی در ایران به عقیده عبدالحسین زرّین‌کوب..... ۱۶۵
- زرّین‌کوب و شعر نو..... ۱۷۲
- ضرورت وجودی در شعر نو..... ۱۷۳
- یک دو نظر در باب شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب..... ۱۹۵
- ۱- دکتر ایرج پارسی‌نژاد و شعر بی‌دروغ..... ۱۹۵
- ۲- دکتر مرتضی کاخی و شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب..... ۱۹۷
- نقد ادبی عبدالحسین زرّین‌کوب؛ یک جلدی ۱۳۳۸ و دو جلدی ۱۳۵۴..... ۲۰۴
- ۱- ضرورت و معرفی ادبیات و نقد ادبی..... ۲۰۴
- ۲- نقد ادبی زرّین‌کوب..... ۲۰۵
- ۳- وضع بد نقد و نقادی در ایران..... ۲۰۶
- ۴- هدف اصلی و تألیف نقد ادبی زرّین‌کوب..... ۲۰۸

۲۰۹	۵- زرّین کوب بنیانگذار نقد ادبی نوین ایران
۲۱۰	۶- ویژگیهای اصولی نقد ادبی زرّین کوب
۲۱۲	۷- مبادی بنیادی و فلسفی نقد ادبی زرّین کوب
۲۳۰	۸- روش نقد ادبی زرّین کوب
۲۳۱	۹- تأثیر نقد ادبی زرّین کوب بر نقدهای ادبی پس از خود
۲۳۲	۱۰- چاپهای نقد ادبی زرّین کوب
۲۳۳	۱۱- نقد ادبی کامل در نظر زرّین کوب
۲۳۴	۱۲- هیچ اثری برتر از «نقد» نیست
۲۳۵	۱۳- نقد صنعتی است دستوری
۲۳۶	۱۴- ملاک حکم در نقد ادبی از نظر زرّین کوب
۲۳۷	۱۵- ذوق و نقش آن در نقد ادبی در نظر زرّین کوب
۲۳۸	۱۶- نظر زرّین کوب بر نقد اجتماعی هیپولیت تن
۲۴۲	۱۷- زرّین کوب و نقد تاریخی
۲۴۳	۱۸- بخش سوم نقد ادبی و ضرورت مباحث این فصل
۲۴۶	۱۹- نظر عبدالحسین زرّین کوب در خصوص نقش متکلمان در گسترش نقد ادبی
۲۴۷	۲۰- نظر زرّین کوب در قصه‌پردازی نظامی
۲۴۸	۲۱- نقد نکته‌یابانه زرّین کوب در ادب صفویه
۲۵۱	امتیازات جلد دوم نقد ادبی
۲۵۲	۱- نقد امروز، شیوه‌هایی نو در نظر زرّین کوب
۲۵۳	۲- ایران بین نوجویی و سنت‌گرایی ادب رسمی و ادب غیررسمی
۲۵۶	۳- فلسفه و نقد
۲۵۹	۴- نقد نقد عیارها و نقدها - زرّین کوب و نقد همدلانه
۲۶۲	۵- دسته‌بندی زرّین کوب از سبکهای متداول شعر فارسی
۲۶۵	۴: آثار مرتبط با تاریخ ادبی یا تاریخ ادبیات زرّین کوب
۲۶۷	سیری در شعر فارسی؛ عبدالحسین زرّین کوب ۱۳۶۳
۲۶۷	معرفی و نقد و نظر
۲۷۲	۱- اولین شعر در نظر زرّین کوب
۲۷۳	۲- قبول ایلی مغولان در فارس، رونق شعر و ادب پارسی در نظر زرّین کوب
۲۷۴	۳- سعدی و جامعیت شاعری او در نظر زرّین کوب
۲۸۰	۴- جامی آخرین شاعر سبک قدمایی در نظر زرّین کوب
۲۸۰	۵- عهد شاهرخ و مقدمات خروج شعر از چهار دیوار دستگاه ملوک و وزرا
۲۸۳	۶- شعر از مدرسه به بازار در سبک هندی
۲۸۵	۷- واقعگرایی در شعر اهل بازار در سبک هندی
۲۸۷	۸- ادب دوره بازگشت در تحلیل نظری عبدالحسین زرّین کوب
۲۹۰	از گذشته ادبی ایران؛ عبدالحسین زرّین کوب ۱۳۷۵

معرفی کتاب	۲۹۰
۱- نوعی نثر پیش از شعر در ایران قبل از اسلام	۲۹۶
۲- نثر و تعبیر ادبی در نظر زرّین کوب	۲۹۹
۳- تأثیر متون عهد ساسانی بر نثر دوران اسلامی	۳۰۱
۴- نظر زرّین کوب درباره نثر دوران بازگشت ادبی	۳۰۴
۵- نظری بر ادب معاصر - شعر نو و اشعار نیمایی در نظر زرّین کوب	۳۰۹
نظرات مستقل زرّین کوب در خصوص اشعار نو و ادب معاصر	۳۱۰
با کاروان حلّه؛ عبدالحسین زرّین کوب ۱۳۴۳	۳۱۶
• معرفی و شناخت با کاروان حلّه در یک نگاه	۳۱۶
۱- رودکی شاعر روشن بین - آیا رودکی کور مادر زاد بود؟	۳۱۸
بررسی و نقد و نظر عقیده استاد زرّین کوب	۳۱۹
۲- انوری پیامبر ستایشگران - شعر انوری شعر خطابه	۳۲۱
۵: آثار مربوط به تحقیقات عرفان و تصوّف	۳۲۵
جستجو در تصوف ایران؛ عبدالحسین زرّین کوب ۱۳۵۷	۳۲۷
معرفی و مقدمه در خصوص جستجو در تصوف ایران	۳۲۷
۱- اشعار منتسب ابوسعید ابوالخیر و عقیده زرّین کوب در این باره	۳۳۴
تحلیل و بررسی آرا مربوط به اشعار ابوسعید	۳۳۵
۲- آثار منثور فارسی خواجه عبدالله انصاری صوفی سختگیر حنبلی و نظر زرّین کوب در این باره	۳۳۸
۳- حلاج در نظر زرّین کوب براساس جستجو در تصوف ایران و کتاب شعله طور	۳۴۰
۴- عین القضاة همدانی و تمایلات گنوسی وی در نظر عبدالحسین زرّین کوب	۳۵۱
۵- اهل فتوت و تصوف عامیانه و ملامتیه در نظر عبدالحسین زرّین کوب	۳۵۴
نظری انتقادی به یک سخن استاد بدیع الزمان فروزانفر در خصوص اهل فتوت و ملامتیه	۳۵۵
دنباله جستجو در تصوف ایران؛ عبدالحسین زرّین کوب ۱۳۶۲	۳۶۰
مواضع زرّین کوب در خصوص نقد بر صوفیه	۳۶۱
مبارزه اجتماعی در عصر جدید با جنبه های منفی صوفیه	۳۶۳
۱- شیخ حسن بلغاری و طریقه نقشبندیّه در نظر عبدالحسین زرّین کوب	۳۶۵
تحول دایمی سیر تصوف در ایران در نظر زرّین کوب	۳۶۷
۲- شعر و ادب صفویه در نظر زرّین کوب	۳۶۸
۳- تلفیق تصوّف و تشیع در عهد صفویه در نظر زرّین کوب	۳۷۰
تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن؛ عبدالحسین زرّین کوب ۱۳۷۶	۳۷۲
معرفی اثر	۳۷۲
محتویات کتاب	۳۷۴
ارزش میراث صوفیه؛ عبدالحسین زرّین کوب ۱۳۴۲	۳۷۹
نقد صوفی نه همه صافی و بی غش باشد	۳۷۹
تصوف و عرفان	۳۷۹

معرفی و نقد کتاب ارزش میراث صوفیه.....	۳۸۳
۱- کشف و الهام فردی در طریقه صوفیه - مخالفت متشرّعه با صوفیه.....	۳۸۹
۲- زهد خوفی و تصوّف عاشقانه.....	۳۹۶
۳- قلندریه در نظر زرّین کوب.....	۳۹۸
۴- نظریه وحدت وجود ابن عربی و مذهب ثنوی بایزید و حلاج در نظر زرّین کوب.....	۴۰۱
۵- کهنترین اشعار صوفیانه بنا به نظر زرّین کوب.....	۴۰۴
۶: آثار زندگینامه‌ای و تئنگارانه.....	۴۰۹
نامورنامه دکتر عبدالحسین زرّین کوب.....	۴۱۱
مجموعه یادداشتهای استاد زرّین کوب درباره فردوسی و شاهنامه.....	۴۱۱
معرفی و مقدمه.....	۴۱۱
۱- سنجش و نوعی نقد تطبیقی میان ایلّیاد و شاهنامه.....	۴۱۱
نتیجه‌گیری مثبت.....	۴۱۷
۲- نام حقیقی فردوسی.....	۴۱۸
۳- عقیده دینی و مذهبی فردوسی در نظر عبدالحسین زرّین کوب و نقد و بررسی آرا.....	۴۲۱
۴- آیا می‌توان فردوسی را منتسب به عقاید شعوبیه دانست؟.....	۴۴۲
نظر عبدالحسین زرّین کوب در خصوص شعوبیه بودن فردوسی.....	۴۴۲
۵- آیا فردوسی زبان پهلوی می‌دانست؟.....	۴۴۹
۶- نظر عبدالحسین زرّین کوب در خصوص نامه رستم فرخزاد به برادرش.....	۴۶۰
۷- عامل بی‌اعتنائی محمود غزنوی به شاهنامه بنا به نظریه عبدالحسین زرّین کوب.....	۴۶۳
۸- معرفی مقاله گفت و شنودی در باب ابدیت ایران.....	۴۶۷
رستم از منظر دینامیسم تاریخی زرّین کوب در شاهنامه.....	۴۶۷
فرار از مدرسه؛ دکتر عبدالحسین زرّین کوب ۱۳۵۳.....	۴۷۳
معرفی کتاب و عرصه غزالی‌شناسی استاد زرّین کوب.....	۴۷۳
بررسی مقاله «تصویری در هاله قدس» پاسخی به حسین داوری بر نقد فرار از مدرسه.....	۴۷۹
۱- غزالی و ترک نظامیه بغداد و بررسی آن بنا به نظر استاد عبدالحسین زرّین کوب.....	۴۸۵
غزالی در اعترافات و اندیشه‌هایش - بررسی گفتار عبدالحسین زرّین کوب.....	۴۹۱
بخش یکم.....	۴۹۱
بخش دوم.....	۴۹۲
بخش سوم.....	۴۹۳
بخش چهارم.....	۴۹۵
بخش پنجم.....	۵۰۱
غزالی و ابن رشد.....	۵۰۵
بررسی مقایسه‌ای آندو در کتاب دفتر ایّام.....	۵۰۵
آیا غزالی سبب توقف و رکود فلسفه شد؟.....	۵۰۸
بررسی نظر دکتر عبدالحسین زرّین کوب در این باره.....	۵۰۸

- عبدالحسین زرّین کوب و خاقانی‌شناسی و بررسی آراء و نظرات ایشان در باب خاقانی شروانی ۵۱۳
- ترجمه شرح قصیده ترسائیه، با کاروان حله و دیدار با کعبه جان ۵۱۳
- برخی مزایا و امتیازات دیدار با کعبه جان ۵۱۵
- وجه تسمیه و نامگذاری دیدار با کعبه جان ۵۱۶
- ۱- عقده حقارت خاقانی - نظریه دکتر عبدالحسین زرّین کوب در این باره ۵۱۶
- ۲- ممدوح مورد نظر در قصیده ترسائیه خاقانی و تشکیک استاد زرّین کوب در این باره ۵۲۶
- ۳- خاقانی و شیوه شاعران ارّان ۵۲۹
- نکته‌ای درباره مکتب و سبک شاعری خاقانی شروانی به نظر استاد زرّین کوب ۵۲۹
- از کوچه رندان؛ عبدالحسین زرّین کوب ۱۳۴۹ ۵۳۲
- معرفی اثر ۵۳۲
- پاسخی به یک انتقاد ایرادگونه محمد حقوقی به از کوچه رندان ۵۳۷
- ۱- نظر استاد زرّین کوب درباره تضمین غزل حافظ ۵۵۴
- ۲- باده و شراب حافظ و بررسی چند و چونی آن در نظر زرّین کوب ۵۵۷
- استنتاج بحث باده در اشعار حافظ در نظر استاد زرّین کوب ۵۶۰
- ۳- رندان بازار و رندان مدرسه و تعریضی بر یک تعبیر زرّین کوب ۵۷۱
- پاسخ ما به ایرادگونه دکتر سعید حمیدیان ۵۷۳
- ۴- خطا بر قلم صنع و نظریه استاد زرّین کوب در این باره ۵۷۴
- نظر نهایی زرّین کوب بر حافظ و قلم صنع از کتاب نقش بر آب «حافظ و قلم صنع» ۵۷۶
- یک ایراد انتقادآمیز دکتر حمیدیان به یک جنبه از مقاله استاد زرّین کوب ۵۸۱
- حدیث خوش سعدی؛ ۱۳۷۹ ۵۹۰
- معرفی ۵۹۰
- ۱- بحثی مختصر در خصوص یک نظر دکتر عبدالحسین زرّین کوب ۵۹۷
- ۲- سفرهای سعدی و میزان واقعیت‌پذیری آن در نظر استاد ۵۹۹
- دلیل تردید قطعی زرّین کوب درباره سفر سعدی به کاشغر و هند ۶۰۲
- نظرات دیگر صاحب‌نظران در باب سفرهای سعدی به اجمال ۶۰۶
- شبه انتقادی بر عقیده استاد زرّین کوب و پاسخ ما بدان ۶۰۷
- ۳- مدح داغ ننگ ۶۰۸
- بررسی مدایح سعدی در قصایدش و نظریه استاد زرّین کوب در این باره ۶۰۸
- انقلاب سعدی در قصاید مدحی ۶۱۲
- وجود عناصر تأملی - غنایی در قصاید سعدی ۶۱۴
- ۴- بررسی و تحلیل ماجرای تناقض‌گویی در دنیای گلستان در نظر استاد ۶۲۱
- ذکر نمونه‌ای پاسخ به نقد علی دشتی در گلستان ۶۲۴
- عبدالحسین زرّین کوب در عرصه عطارشناسی و بررسی نوشته‌ها و مقالات وی در این باره ۶۲۷
- صدای بال سیمرغ و دیگر مقالات زرّین کوب در باب عطار ۶۲۷
- ۱- زرّین کوب و مختارنامه عطار ۶۳۲
- بررسی نظریه استاد پیرامون مختارنامه عطار نیشابوری ۶۳۲

۶۳۵	□ نقد و بررسی نظرات و گفته‌های زرّین‌کوب در این باره
۶۳۷	□ خام‌اندیشی و ارائه برخی نظرات سطحی
۶۳۹	□ اختلاف میان زرّین‌کوب و شفیع کدکنی پیرامون عطار
۶۵۶	۲- بحث‌زادگاه و مولد کدکنی‌بودن عطار بنا به عقیده استاد زرّین‌کوب و بررسی نظر وی در این باره
۶۵۷	□ بررسی نظر استاد زرّین‌کوب و پاسخی به عقیده استاد
۶۵۹	۳- داستان شیخ صنعان و نظر استاد زرّین‌کوب در برخی مواضع آن و طرح یک تمهید
۶۶۲	□ تحلیل رمزی داستان شیخ صنعان براساس نظر استاد زرّین‌کوب
۶۶۷	بیان مطلبی پیرامون یک نظر دکتر تقی پورنامداریان
۶۷۱	عبدالحسین زرّین‌کوب و ساحت او در عرصه نظامی‌شناسی
۶۷۱	معرفی نوشته‌های استاد پیرامون نظامی گنج‌های
۶۷۱	پیر گنج در جستجوی ناکجاآباد
۶۷۴	۱- نظامی گنج‌های در جستجوی شهر نیکان و بررسی نظریه زرّین‌کوب در این باره
۶۷۵	نظریه مدینه فاضله یا شهر نیکان نظامی در نظر استاد
۶۸۱	طرح آرمانی در لیلی و مجنون
۶۸۶	طرح اتوپایی نظامی در هفت پیکر
۶۸۹	• تمهیدی در اندیشه بوتوپیا و مدینه فاضله
۶۹۳	• مدینه فاضله نظامی در نظر استاد زرّین‌کوب
۶۹۴	بسط مدینه فاضله در مثنویهای نظامی
۶۹۵	• بررسی محرک‌های مختلف در طرح مدینه فاضله در نظر نظامی گنج‌های
۶۹۷	۲- جستجوی مدینه فاضله نظامی در اسکندرنامه
۷۰۰	تأملی به یک نقد و نظر دکتر سعید حمیدیان
۷۰۶	۳- آیا نظامی روحیه ستیز با بیداد و کج‌راهه نداشته است؟
۷۱۱	۷: آثار مربوط به مولانا شناسی استاد زرّین‌کوب
۷۱۳	زرّین‌کوب و سرنی - جایگاه مولانا در نظر عبدالحسین زرّین‌کوب
۷۱۴	ماجرای نگارش سرنی از نگاهی تازه‌تر
۷۱۸	شناخت بیشتر سرنی
۷۲۰	معرفی اجمالی بخش‌های سرنی
۷۲۹	۱- بلاغت منبری مولانا و بررسی یک عامل برتری شاعری مولانا نسبت به اخلاف خود
۷۳۳	۲- ساختار مثنوی یا بررسی هندسه ذهنی مولانا در سرایش مثنوی در نظر استاد
۷۴۶	۳- نقد تمثیل در مثنوی
۷۴۶	بررسی آسیب‌شناسانه آن در نظر عبدالحسین زرّین‌کوب
۷۵۴	تمثیل در نظر اهل بلاغت و منتقدان ادبی
۷۵۹	بحر در کوزه
۷۵۹	مدخلی بر بحر در کوزه
۷۶۳	معرفی بیشتر بحر در کوزه از نگاهی نزدیک‌تر

۷۶۵	شناخت تفصیلی بحر در کوزه.....
۷۷۸	نظری کلی به بحر در کوزه.....
۷۷۹	ملاحظات چند در باب بحر در کوزه در شکلی مختصر.....
۷۸۰	۱- داستان دقوقی و تحلیل آن در نظر استاد زرّین کوب.....
۷۸۲	رمزگشایی برخی از اجزای داستان دقوقی در نظر مؤلف بحر در کوزه.....
۷۸۴	بررسی یکی دو نظریه مخالف در باب رمزگشایی داستان دقوقی.....
۷۸۶	رمزگشایی «دریا» در داستان دقوقی.....
۷۹۵	۲- قصه‌های مستهجن در مثنوی و بررسی آسیب‌شناسانه آن در نظر استاد.....
۸۰۱	۳- بررسی داستان قلعه ذات‌الصور و ارتباط کلیت‌گرایی آن با نی‌نامه در نظر استاد.....
۸۰۹	پله پله تا ملاقات خدا.....
۸۰۹	معرفی و شناخت.....
۸۱۳	۱- شکایت مولانا از جداییها.....
۸۱۳	عبدالحسین زرّین کوب و بررسی نظریه استاد در تأویل نغمه نی مولانا.....
۸۲۲	۲- زرّین کوب و برخی نظرات ابراز شده در ساحت مولوی‌شناسی.....
۸۳۶	از نی‌نامه - گزیده مثنوی معنوی.....
۸۳۶	دکتر عبدالحسین زرّین کوب و دکتر بانو قمر آریان.....
۸۳۸	۱- وحدت و تمامیت مثنوی.....
۸۳۹	بخشهای اصلی و فرعی از نی‌نامه.....
۸۴۲	نردبان شکسته؛ دکتر عبدالحسین زرّین کوب.....
۸۴۲	تمهید و معرفی «نردبان شکسته» (نردبان آسمان).....
۸۴۴	۱- نگاه کلیت‌گرایی زرّین کوب.....
۸۴۴	مثنوی نگاهی خطی و به هم پیوسته.....
۸۴۸	۲- تمهیدی به دفتر دوم مثنوی.....
۸۴۸	بررسی مختصر علت تأخیر دفتر دوم مثنوی.....
۸۴۹	نگاهی به «سبب تأخیر مثنوی».....
۸۴۹	بررسی اجمالی سبب تأخیر دفتر دوم مثنوی.....

۸: فهرست نام کسان..... ۸۵۵

۹: فهرست منابع

تشکر و قدردانی

به نیکی می‌دانم بازار چاپ و نشر کتاب در این روزگار چگونه است و اینکه انتشاراتی چون زوآر برای این اثر - جهانی در خلوت تنهایی - چه مدارا و حمایتی کرد، تا آن نوشته‌های نه‌چندان کم‌برگ به شکل کنونی یک کتاب درآید، تشکر ویژه‌ام از مدیر محترم نشر زوآر جناب علی زوآر که با سعه صدر و اخلاق کریمانه خود در قبول انتشار این اثر با همه تنگناها و مشکلات عدیده از هیچ کوششی دریغ نکردند، از سرکار خانم جهانتاب که با همه گونه خواسته‌های املایی و رسم الخطی این قلم کنار آمدند و بزرگوارانه همراه با دیگر همکاران خود بار زحمات نویسنده را بر دوش کشیدند، خاضعانه سپاس دارم.

جا دارد از استاد عظیم زرین‌کوب، برادر استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب که با تشویق‌ها و مهربانی‌های خود مرا در به پایان رساندن این اثر همراهی کردند؛ و با همه گونه اطلاعات در باب استاد زرین‌کوب و با سؤال‌های پیگیرم از هیچ موضوعی گفتنی کوتاهی ننمودند، خالصانه شاکرشان باشم. از استاد راهنمایم دکتر عبدالحسین فرزاد که کریمانه در نگارش رساله، آزادی یک نویسنده را به من دادند؛ همچنین از دکتر امیربانو کریمی، استاد مشاورم، که مادرانه و در عین حال مجدّانه رساله حقیر را خواندند و ابراز دلگرمی را در من افزودند؛ از استادان دکتر حسین نجفداری با راهنمایی‌های دلسوزانه خود و مهربانی‌های بزرگوارانه و سلوک پدرانه دکتر سید احمد حسینی کازرونی و نخستین و قدیمی‌ترین معلم، شادروان دکتر احمد ابومحبوب که سعادت حضور ایشان را به عنوان استاد داور داشتم، او که در دوران دبیرستان بهترین دبیر درس ادبیاتم بود و سرانجام در دفاعیه دوره

دکتری استاد داورم شد. از همگی این سروران کمال تشکر داشته و دارم.

از دکتر نصرت‌الله محبّی مردی دانا و فرهیخته که با تواضع ذاتی خود همیشه به من درس ادب داده‌اند و با حضورشان در دفاعیه‌ام مرا سربلند و مفتخر ساختند صمیمانه دست یکایک آنان را می‌بوسم و از همسرم خانم زینب عاقلی که از ابتدای نگارش رساله تا پایان همراهم بود با زبان بی‌زبانی قدردان باشم و شاکر.

این اثر ناچیز به همه ایرانیان پُرمهر و بافضیلت تقدیم می‌شود که جويا و علاقمند آثار فاخر و بسیار گرانقدر دکتر عبدالحسین زرّین‌کوب می‌باشند - نقد و بررسی نظریه‌های ادبی استاد به قلم این حقیر کوششی است صادقانه و از سر خاکساری - گمان دارم دیگران به هر ترتیب و به هر شکل بهتر از من می‌توانستند این آرا و نظریه‌ها را تحلیل کنند. با اینهمه این کتاب در این زمینه نخستین تلاش علمی و منضبطانه در جهت شناسایی عقاید و آراء ادبی استادی بی‌همال و بی‌بدیل این قرن اخیرست و ممکن است بی‌نقص و خطا نباشد.

بدین جهت از خوانندگان گرامی می‌خواهم با دیده گذشت و خطاپذیری که یک ویژگی مسلّم همه انسانهاست به این وجیزه بنگرند، هرجا شیرینی مضمون و حلاوت فکری به ذهنشان رسید مربوط به خامه زرّین استاد زرّین‌کوب بدانند و آنجا هم که عیب و لغزشی مشاهده کردند و احتمالاً ملال برایشان چیره شد، بر این قلم با عفو و بزرگواری و متانت ببخشایند.

در خاتمه باید یک چیز دیگر بگویم، تشکر ویژه خودم از استاد دکتر قدمعلی سرّامی ادیب و شاعر درویش‌صفت که اجازه دادند این دانشجوی کوچکش عنوان این اثر را از او بگیرد - جهانی در خلوت تنهایی - عنوانی که دکتر سرّامی در یک مقاله درباره تکدرخت استاد زرّین‌کوب درخصوص نویسنده داستان تکدرخت بدرستی به‌کار بردند. از استاد فروتنانه منت پذیرم و برای ایشان صحت و تندرستی آرزومندم.

محمّد رضا شعبانی

۱۳۹۸/۷/۴

سخن‌باخوانندگان

اهداف بنیادی و فلسفی این کتاب

استخراج و تحلیل آرا و نظریه‌های ادبی - تحقیقی استاد زرین‌کوب در وهله نخست سبب تنویر افکار و روشن شدن اذهان علاقمندان، دانشجویان و استادان ادب است درثانی نقد و بررسی این آرا از خلال آثار استاد، علاوه بر داشتن ارزش‌های تحقیقی و علمی، البته خود نوعی نقد ادبی محسوب می‌شود، جز این یک فایده دیگر استخراج این عقاید، پدید آمدن شناخت بهتر نظرات ایشان است و خوانندگان نسل جدید به نظریات تحقیقی و ادبی استاد، آشنایی بیشتری یافته و این موضوع سرانجام منجر به فهم بهتر یکی از صاحب‌نظران دانشگاهی کشور از قضایای ادبی خواهد بود. اثر پیش روی خوانندگان در حقیقت خود نوعی نقد ادبی عملی از آثار استاد محسوب است. نقدی تا حد امکان به دور از هرگونه هیاهو و سطحی‌نگری به پژوهش درآمده است و تا آنجا که ممکن بود سعی ما این بود، تا شأن علمی - ادبی آثار عبدالحسین زرین‌کوب بدرستی دانسته و شناخته شود و این امکان نداشت، مگر همدلی صمیمانه با این سلسله آثار ماندگار استاد. بی‌شک اغلب نظرات استاد بدیع و تازه‌گونه است و مخصوص تحقیقات خود ایشان است. در باب برخی آثار استاد، جسته و گریخته مقالات و کتابهایی به عنوان یادبود و بزرگداشت چاپ و نگارش یافته است، اما یک تحقیق یکدست خاصه از طریق همدلی با آثار و عقاید وی همراه با روش علمی و سنجیده و دور از حبّ و بغض هنوز جایش خالی می‌نمود. ما در این رساله پژوهشی تنها با رویکرد بررسی نظریه‌های ادبی، آثار ایشان را به تحلیل و نقد کشانده‌ایم و مجموعاً قریب به ۹۰ نظریه ادبی مستقل او را تبیین و تحلیل ادبی کرده‌ایم. تازگی موضوع

این اثر، حاکی از این ادعاست، که آثار سترگ و ارزشمند استاد می‌بایست یکجا و یا با نگاه‌ها و رویکردهای مختلف از منظر بررسی و تحلیل ادبی منتقدانه نگریسته شود. از این جهت پژوهش این رساله بر همین مبنا، روش خود را پایه‌گذاری و بنیاد نهاده است. با اینهمه پیش از انجام چنین پژوهشی، یادبودها، بزرگداشت‌ها و گرامیداشتهایی چند در زمان حیات استاد و چه بعد از وی انتشار یافت، که در خلال این قبیل کتاب‌ها، به برخی از نظرگاه‌های ادبی وی توجهی شده است. این انتقادات و بررسی‌ها از جهاتی ارزشمندست خاصه آنکه برخی صاحب‌نظران و استادان به مواضع چندی از «زرّین کوب‌شناسی» پرداخته، که هر یک ممکن است حاوی فوایدی چند باشد. در نگارش این اثر از آنها کمک مطلوبی گرفته شد با اینهمه ما آن نظرات را از طریق همدلی با آثار استاد نگریسته و هر جا که الزام یک نگاه نقادانه حتّی به نظریات استاد چه در مقام تأیید و چه احیاناً غیر آن بوده باشد از هیچ نقد و نظر سنجیده و منصفانه‌ای دریغ ننموده‌ایم و آنجا که نظرات صاحب‌نظران درست و منطبق با تحقیقات ادبی دهه‌های اخیرست؛ البته از مواضع ایشان دفاع نموده‌ایم. اما کیست که توانسته باشد، با وجود اینهمه گسترش علوم ادبی و نقد ادبی در عرصه جهانی ادعای آن داشته باشد، که تمامی عقاید او یکسره درست و منطبق با جریان‌های صحیح روز باشد؟ بویژه آن‌که دیدگاه‌های ادبی، هر روز ممکن است تغییرپذیر و یا محتاج به بازکاوی مجدد باشد. آثار استاد البته خالی و خارج از این مقوله نیست و ایشان هم هرگز مدّعی درستی و کمال تمامی نظریات خویش، در هیچ آثاری از خود نبوده است.



زّین کوّب: اودیسه‌لابیات نوین ایران

«فقط آثاری که از عشق و علاقه نشأت می‌گیرند در آینده به شهرت می‌رسند.»

آرتور شوپنهاور - در باب حکمت زندگی ۱۳۹

عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع

عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن

سنایی غزنوی

از دهلیز دبستان کمال تا غربت غربی فرانسه

زرین کوب: اودیسه ادبیات نوین ایران

همدلی و خوانش صحیح آثار زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب بهترین طریق ممکن در شناخت اوست؛ خاصه خواندن و دیدن نقد و نظرها و تحلیل آرای ایشان است. در این رساله، ما زرین‌کوب و آثارش را به بوته نقد نشانده‌ایم. به کسانی که خود استادند و در عرصه تحقیق دستی بر آتش دارند، و در باب برخی آرای زرین‌کوب گاه خرده‌ها گرفته‌اند در حد مقدور، چنان‌که وظیفه منتقد ادبی است؛ پاسخهایی بی‌شبهه داده‌ایم. این پاسخها همگی در خط نقد ادبی صورت وقوع و امکان یافته است. هر جا سخن و گفته نویسندگان امروزین سخته و سنجیده می‌نمود؛ با کمال احترام پذیرا بوده و بر گفته‌های آنان ارج نهاده‌ایم.

قصد ما بی‌شک نشان دادن ارزش وجودی هر یک از آثار زرین‌کوب و تعیین و تشخیص آرا و نظریات ایشان و تتبع استخراج و نقد این آرا در بوته نقد ادبی است. زرین‌کوب، خود استاد مسلم و یکه‌تاز میدان نقد ادبی بوده است چنانکه می‌دانیم رساله دکتری او پیرامون همین موضوع است نقد ادبی و دقیق‌تر نقدالشعر.

بنابراین نیاز جدی احساس شد، تا در این عرصه گامی چند برداشته شود؛ کار ما البته بی‌عیب و کاستی نیست. در حقیقت نقد و بررسی آرا و نظریه‌های ادبی عبدالحسین زرین‌کوب یک کار گروهی است و از عهده کسی چون حقیر البته ساخته نیست. با این وجود در این دریای بیکران، تنی به آب زدن چندان نیز - گرچه پرخطر بود - بی‌فایده نبوده است. دست‌کم نگارنده را گستاخ ساخت، تا به قدر وسع خود در روشنایی منتقدانه آرا و عقاید زرین‌کوب دست و پای بزند.

زرین‌کوب - بی‌هیچ گزاف و ادعایی غیرموجه - از معدود محققانی است، که پاکیزه‌ترین پژوهشهای ادبی و نقد ادبی و کنکاش در عرفان، تصوف و تاریخ ایران و اسلام و فلسفه آن را انجام داده است. او جمع عالی از فهم درست و بی‌شبهه میان سنت و تجدد است. هم بخوبی سنن ادبی و متون آن را مورد مداقه داشت و هم از آثار اخیر محققان غربی و عربی آگاهی کامل داشت؛ تجدد را می‌شناخت و به سنت نظیر بتی غیرقابل انتقاد نمی‌نگریست. از این بابت کمتر کسی را می‌توان یافت، که نظیر او باشد. به زبان‌های روز

دنیا آشنایی مسلط‌گونه داشت و از منابع آکادمیک این زبان‌ها - انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی و اسپانیایی - بخوبی استفاده می‌کرد.

استاد، نقد و انتقاد را حرفه اصلی خود ساخته بود بی‌آنکه در این باره مدعی باشد با تواضع تحقیق می‌کرد و با متانت می‌نوشت؛ شناخت واقعی آثار او بی‌شک محتاج نقد و نظر فراوان و مداوم است. و متأسفانه چنانکه درخور او باشد، آثار او تاکنون بدرستی و به شکلی انسجام‌گونه مورد نقد و ارزیابی ادبی واقع نگشت. بنابراین نگارنده بر آن شد در این عرصه پرهنا و پرطول و عرض دستی بر آتش بزند، از همان آغاز، عظمت کار، خوفی شیرین بر دلم نهاد، چرا که تاکنون کسی چنانکه بایسته بود در این باره خوضی ننموده بود؛ کتاب پیش رو از آنجا که نخستین کار جدی در تحلیل و استخراج نظرات ایشان است، بی‌غث و سمین نیست و چنانکه باید نتوانسته باشد در شأن چنو استاد بی‌بدیلی بوده باشد. با اینهمه دلخوشیم که توانسته‌ایم کتاب‌ها و آثار ادبی - تحقیقی وی را بازکاوی کنیم. سعی بر آن بود، تا ممکن است از پیشداوری سطحی و نگرش عامیانه و غیرآکادمیک پرهیز شود و نقد و نظرها سنجیده نماید. با این وجود اقبال خوانندگان دل‌آگاه، مدرسان ادعای ماست. پیش از هرچیز و بیش از هرچیز همدلی، که ویژگی یک نقد و سنجش درست است؛ در این رساله همراه همیشگی من بوده است. پس از آن خوانش مکرر آثار استاد و سعی در فهم درست این آثار، دومین راهنمای ما بود؛ البته خوانشی در طول سالیان متمادی رفیق راهم بود. این اثر نتیجه همدلی نگارنده طی پانزده سال نسبتاً پشت هم است. بی‌شک شگرد مرضی و موردپسند استاد «همدلی» با آثاری است، که با آن به سر می‌کرد، ما نیز همین شیوه را در کار نا چیز خود برگزیدیم.

در این نوشتار، تمامی آثار مستقیم و عمده مقالات ایشان که در برخی مجموعه‌های مقالات وی گردآوری و انتشار یافته، به نقد و معرفی و ارزیابی منتقدانه درآمده است. تمام آثار استاد بجز کتاب‌های تاریخی و مربوط بدان. بی‌شک این دسته آثار و نوشتجات تاریخی استاد مجالی دیگر می‌جوید و اگر روزی سعادت نصیب این نگارنده شود، البته در این باره قصد نگارش حتمی است. ورود در عرصه پرهیت نوشته‌ها و کتابهای زرین‌کوب به تعبیر حافظ «آسان نمود اول» اما بعد از خوانش و تعیین و تشخیص آرا و نظریه‌های ادبی ایشان «افتاد مشکل‌ها» و این یک مشخصه نوشته‌های این محقق سترگ و کم‌نظیر دوران ماست. بی‌یقین زرین‌کوب از معدود اشخاصی است، که در سطح فرهنگی خاصه نوع تربیت علمی و نقادی او، مادر گیتی به این راحتی نخواهد زایید. در این باره سعی کرده‌ایم

پس از معرفی هر اثر وی، بزرگی و عظمت همان را به طرزی مقدور و به دور از هرگونه تعریف و تمجید بر ساخته و دروغین و جانبدارانه نشان دهیم. آنچه نوشته‌ایم بدان معتقدیم و هرگز شتاب‌آلود بدان ننگریسته‌ام.

گمانم آن است زرین کوب بیش از آنی که می‌نمود، بوده است. او برخلاف بسیاری کسان، بیش از آنچه می‌نوشت؛ می‌دانست. این یک ویژگی آثار و منش علمی زرین کوب است. آثار و کتاب‌های بسیار بالارزش و پرتأمل استاد، به دلیل داشتن ابعاد مختلف و تنوع موضوعات عدیده ادبی، تاریخی و نقد ادبی و کثرت نقد و نظرهای وی بر ادب فارسی و فرهنگ و تاریخ ایرانی، عرفان و تصوف خاصه مطالعات تحقیقاتی و تطبیقی ایشان در این عرصه، بر کسی پوشیده نیست. در این باره استاد بهترین الگوی یک دانشمند جدی و متواضع همراه با تربیت یک محقق نستوه و پراراده با داشتن یک روحیه علمی - شکاکی است. سوییۀ دیگر هنر استاد داشتن نثری زیبا و شکوهمند متناسب با موضوعات تحقیقی وی است.

استاد زرین کوب چنانکه نزدیکان او را می‌شناختند به داشتن فضایل اخلاقی، موصوف بود. اینکه کسی هم به ملکات انسانی آراسته باشد و هم در درجات علمی شخصیتی برجسته و بزرگ باشد؛ البته یافتنش در دوره ما تا اندازه‌ای سخت بلکه امروز جزء امور نایاب است. استاد فردی، الحق جامع‌الاطراف بود از یک سو، قلمی فاخر و شیرین داشت.^۱ نثری باشکوه و در عین حال جدی و فخیم متناسب با هر موضوعی که می‌خواست به رشته تحریر کشاند، براحتی قلم را در بایش به کار می‌بست و انصاف آنکه چه خوب و مطمئن می‌نگاشت و از سویی دایره بسیار وسیع معلومات ایشان در عرصه‌های گونه‌گون ادبی و نقادی از کسی پوشیده نیست. زرین کوب خصایص عالیۀ دیگری نیز داشت از جمله روحیه تسامح و تساهل‌نگری در رفتار علمی و اجتماعی^۲، چرا که او به فرهنگ‌های شرق و غرب آشنایی بالنسبه کاملی داشت، خاصه آنکه روح علمی و شکاکیت وی در این باره از او یک محقق واقعی ساخته بود.

عبدالحسین زرین کوب در ۲۷ اسفند ۱۳۰۱ در بروجرد چشم به جهان گشود. وی ادیب، مورخ، منتقد، ایرانشناس، محقق و نویسنده بزرگ عصر ماست.^۳ درس و تحصیلات

۱. یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، ۱۲.

۲. همان، ۱۳.

۳. همان، ۱۷.

متداول و رایج را در شهر بروجرد گذراند. چندی نیز در علوم دینی و حوزوی به اصرار پدر، وقت صرف کرد و بعدها متناسب با اقتضای مطالعات ادبی، در تفسیر و ادب عربی به شعر این زبان نیز دلبستگی نشان داد. بیشترین علاقه او در دوران تحصیل متوسطه خواندن کتاب‌های تاریخ، فلسفه و ادبیات بود. در این خصوص کتابی نبود، که او نخوانده باشد این شوق مفرط ایشان به درس و هر آنچه مربوط به دنیای تفکر و اندیشه‌ورزی است، تا پایان عمر وی رفیق همیشگی او شد. با این تفاوت که روزبه‌روز این میل باطنی و عشق درونی او افزون‌تر می‌شد و این یک خصیصه علمی زرین‌کوب است. وی در سال ۱۳۱۹ در تهران موفق به گرفتن مدرک رشته ادبی شد. در خرم‌آباد و بعد بروجرد به کار معلمی که بعدها رفته رفته عشق دیرین او محسوب می‌شد؛ علاقه نشان داد. اغلب دروس متوسطه را تدریس می‌کرد و در همگی آن رشته‌ها اعم از تاریخ و جغرافیا، ادبیات فارسی و عربی، فلسفه و زبان خارجی دبیری موفق بود.

در علوم سستی نظیر حکمت و فلسفه اسلامی، چندی نزد حاج شیخ ابوالحسن شعرانی تلمذ کرد. چنانکه در نوشته‌های بعدی استاد این آشنایی او در نثر و قلم خوش‌نگار ایشان خود را بخوبی انعکاس داد.^۱ بعد از این دوران به فلسفه‌های غربی معاصر تمایل نشان داد، چنانکه مطالعات جدی او در تصرف و عرفان نظری از او یک فرد ذوفنون ساخت. در این اوقات برای شخصی چون زرین‌کوب که در عرصه‌های گونه‌گون علوم انسانی وقت فراوان صرف می‌کرد؛ نیاز به دانستن زبانهای متداول غربی یک نیاز واقعی و یک احتیاج فوری بود. وی به‌جز زبان عربی، به زبانهای فرانسوی، انگلیسی و پس از آن در طی سال‌های جنگ جهانی دوم به زبان ایتالیایی و آلمانی نیز علاقه نشان داد و بدان‌ها آشنایی یافت. قدرت زباندانی زرین‌کوب بعدها او را به زبان یونانی و اسپانیایی نیز قدرتمند ساخت. چنانکه زرین‌کوب خود در مقاله‌ای با عنوان «نقش بر آب» در این باره در خصوص آشنایی و علاقه‌مندی‌اش به زبان‌های خارجی چنین آورده است:

«طی این سالها از محضر عالمان و استادان شهر در هر رشته‌ی چیزی آموختم. از آشنایی با زبانها در هر نوبت دریچه‌تازه‌یی از آفاق اندیشه به روی خود گشودم. در هر زمینه که کنج‌کاویم انگیزه می‌شد بی‌احساس ملالی به تجسس پرداختم و هر تجسس وادی تازه‌یی برایم پیش آورد...»^۲

۱. یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، ۱۸.

۲. نقش بر آب، ۹۲، چاپ چهارم.

تعبیر زیبای «دریچه تازه‌یی از آفاق اندیشه» به جهت یادگیری یک زبان بیشتر برای زرین کوب جز آنکه وی را به یک محقق عالیقدر و با ارزش تبدیل سازد، چه چیز دیگری معنی می‌دهد؟ بی‌شک تربیت علمی - ادبی او در طی تمام سال‌های زندگی پُربار وی از او یک انسان چندضلعی و منشوری ساخت.

نخستین کتاب او در سن ۲۳ سالگی انتشار یافت «فلسفه شعر یا تاریخ تطوّر شعر و شاعری در ایران» که حدوداً از سن ۱۸ سالگی شروع به نگارش آن کرد و این بیانگر پشتکار و علاقه و جدیت ایشان در کار مطالعه و تحقیق از همان سال‌های جوانی است.^۱ در سال ۱۳۲۴ به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران راه یافت و رتبه اول در میان داوطلبان را کسب نمود. در سال ۱۳۲۷ از دانشکده با رتبه‌ای که پیش از آن نفر اول دانسته شده بود، فارغ‌التحصیل شد. در همین اوقات به دبیری در دبیرستان‌های تهران مشغول بود. سال ۱۳۲۸ وارد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی شد. در همین زمان سردبیری مجله هفتگی مهرگان را عهده‌دار شد. تصدی مجله نامبرده تا پنج سال با ایشان بود. در این زمان با علمای بزرگ و استادان به نام عصر طرح آشنایی و دوستی علمی بست. کسانی چون عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی، سید حسن تقی‌زاده، محمد معین، پرویز ناتل خانلری، غلامحسین صدیقی و عباس زریاب خویی.^۲ در سال ۱۳۳۲ با زنده‌یاد بانو دکتر قمر آریان ازدواج کرد، تا پیش از آن قمر آریان از همدوره‌های استاد در دانشکده بود. در سال ۱۳۴۲ از رساله دکتری خود با عنوان «نقد شعر، تاریخ و اصول آن» به راهنمایی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر دفاع کرد. این رساله بعدها با عنوان «نقد ادبی» در طی سالیان مختلف تا هم‌اکنون انتشار یافته است.

فعالیت علمی استاد در راستای کوشش خستگی‌ناپذیر و نبوغ ذاتی وی، یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۵ به درخواست فروزانفر، با رتبه دانشیاری در دانشگاه تهران به امر تدریس و تحقیق پرداخت. تدریس در عرصه‌های مختلف نظیر تاریخ ایران و اسلام، تاریخ ادیان، تاریخ کلام و ملل و نحل، تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم و بعدها در زمینه‌های ادبی و پژوهش‌های ادب فارسی کمک شایانی به دانشجویان آن عصر نمود و در تلطیف اذهان و روشننگری افکار نسل آن دوران بسی تأثیرها کرد. به‌جز این نگارش کتابهای تازه از

۱. در خصوص کتاب فلسفه شعر استاد به کتاب جداگانه‌ای که در این باره نوشته‌ایم با نام «با کاروان زرین» یا مقدمه‌ای بر زرین کوب‌شناسی بنگرید.

۲. یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، ۱۸ - نویشته دکتر روزه زرین کوب.

ایشان و تألیف مقالات عدیده در موضوعات نامبرده در سطور قبل از او یک محقق جدی به نسل زمان نشان داد. در سال ۱۳۳۹ به رتبه استادی دانشگاه تهران نایل آمد و جای آن نیز بود.

استاد چندی با برخی مؤسسات علمی نظیر مؤسسه لغت فرانکلین با زنده‌یاد استاد مجتبی مینوی همکاری نمود و نیز سردبیری مجله راهنمای کتاب را پذیرفت - سال ۱۳۴۲. زرین کوب نخستین شخصی بود که در این مجله، فصلی خاص در زمینه ادبیات معاصر ایران گشود و اینکه برخی بعدها گمان کردند؛ زرین کوب شمّ ادب معاصر، خاصه شعر نو را اصولاً در خود نداشته، چندان سخن درستی نیست و نمی‌توان در این باره با آنان موافقت داشت.

در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به‌عنوان استاد مهمان در دانشگاه‌های کالیفرنیا و پرینستون برای تدریس تاریخ ایران و تاریخ تصوف دعوت شد. در همین دوران وی به فراگیری زبان اسپانیایی نیز پرداخت و یک دریچه دیگر از آفاق فکر و اندیشه به روی خود گشود.^۱ پس از عزیمت به ایران همزمان در دو گروه تاریخ و ادبیات دانشگاه تهران مشغول به تدریس و پژوهش شد.^۲

از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۶ وی به مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران منصوب گشت و در همین فرصت یک ساله اقدامات مبتکرانه‌ای انجام دادند. چنانکه زنده‌یاد ایرج افشار در این باره چنین آورده است:

«طرح نوینی را برای استواری علمی کار پیش آورد و دروس تازه‌ای را پایه گذارد. از آن جمله «شرق‌شناسی و ادبیات فارسی» بود، که تا او بود درس گفته شد و آن را برعهده من گذارده بود.»^۳

این اقدام مبتکرانه و بزرگ شرق‌شناسی و ادبیات فارسی نشان از عظمت موضوع و اهمیت آن در دیگر دانشگاه‌های معتبر جهان آن روز داشته است و زرین کوب دقیقاً می‌خواست در این باره دانشگاه تهران، مطابق برنامه‌های روز دانشگاه‌های جهان باشد. اقدام دیگر استاد «امتحان جامع دوره دکتری» بود، که نقشی قاطع در تعیین سنجش معلومات

۱. یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، ۱۹.

۲. در این خصوص به مقاله خواندنی زنده‌یاد استاد ایرج افشار با عنوان «عبدالحسین زرین کوب» در نامه فرهنگستان، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷ مراجعه نمایید.

۳. نامه فرهنگستان، صص ۱۶ - ۱۵ سال ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷.

دانشجویان محسوب می‌شد. این طرح پس از کناره‌گیری استاد از مدیریت گروه، همچنان باقی ماند.

استاد در دهۀ پنجاه از سال ۱۳۵۱ به بعد دوبار به عارضۀ سخت قلبی دچار شدند و به تعبیر ایرج افشار این بیماری در شکلی مهیب‌تر در سال ۱۳۵۷ «با هیبتی سخت‌تر بر او حمله آورد»^۱ پس از بهبودی موقت در تهران، ایشان عازم آمریکا شد، تا اقدامات بهتر و جراحی در شکلی جدی‌تر صورت بگیرد. زرین کوب در آمریکا طی نامه‌ای در ۲۰ مرداد پس از خروج از بیمارستان به ایرج افشار چنین نوشت:

«نمی‌دانی اقدام سرکار به بستری کردنم در بیمارستان دکتر اقبال چقدر به موقع بود. چون بعد از چندین هفته که آنجا بستری بودم در کلیولند بلافاصله بعد از ورودم به کلینیک ضرورت و فوریت جراحی قلب تأیید شد. اینکه باید چقدر از تو متشکر باشم البته بستگی به باقیماندهٔ عمر دارد، که چه کاری بتوانم کرد. در هر حال چند روزی است از بیمارستان مرخص شده‌ام. اما نقاهت هنوز باقی است. احتمال دارد اوایل مهر ماه آن شاء... عازم ایران شوم. فعلاً از دوستان هر کس آنجا هست، یک به یک را سلام برسان. قربانت»^۲

مجلس بزرگداشت زرین کوب نخستین بار در آبان ۱۳۵۴ در شهر خرم‌آباد برگزار شد و حمید ایزدپناه آن مراسم گرم را به دلپذیری به اجرا درآورد.^۳ چندی بود درخصوص همین بزرگداشت مجموعه‌ای تحت عنوان «ارمغانی برای زرین کوب» در سال ۱۳۵۵ انتشار یافت. در سال ۱۳۶۰ سفری دیگر جهت مداوا به اروپا برای زرین کوب مهیا شد. این بار مقصد پاریس بود و مدتش دو سالی طول کشید. سال ۱۳۶۳ که به ایران بازگشت؛ بیمارگونه بود. بدین جهت این بار دانشجویان به منزل ایشان برای دروس دورهٔ دکتری می‌رفتند. بیشترین تألیفات و تحقیقات نگارش استاد در دهۀ شصت تا هفتاد یعنی هنگامی که استاد در بیماری به سر می‌بردند؛ صورت گرفت. دلیل عمده‌اش این بود، که تألیفات این دوره محصول دوران قبل بود و تحقیقات پیرامون آن نوشته‌ها تا دوران سلامتی جسمی استاد، بخوبی دنبال می‌شد. با اینهمه زرین کوب از نوشتن و پژوهش خسته نمی‌شد و دست برنمی‌داشت.

تحقیق در باب مولانا، خاصه نگارش کتابهای جدی او نظیر «سرّنی» و «بحر در کوزه»

۱. همان، ص ۱۵.

۲. نامهٔ فرهنگستان، ۱۵ - سال ۴، شماره ۲.

۳. همان، ۱۶.

همگی محصول اقامت دوسالۀ ایشان در فرانسه بوده است. چنانکه می‌دانیم این دو تألیف استاد بعدها سنگ بنای مهم تحقیقات بعدی دیگر نویسندگان در ایران شد و اگر بگوییم زرّین‌کوب از نخستین محققانی است، که روش جدی و درست مولوی‌شناسی را در ایران، خاصه مراکز علمی - دانشگاهی به شکلی آکادمیک بنا نهاد؛ البته سخنی گزاف نیست.^۱ در این خصوص یکی از آگاهان چنین نظری ابراز داشته است: «استاد در تحقیقات خود دربارهٔ مولانا به‌طور اخص به نکات تاریک و مبهم مثنوی توجه کرده که در مواردی هیچکس بدان توجه نکرده است.»^۲ به زعم او «کمتر مقاله، کتاب و رساله‌ای وجود دارد، که در منابع آن از جستارهای زرّین‌کوب استفاده نکرده باشد.»^۳ زرّین‌کوب «این دانشور بی‌ملال و خستگی‌ناپذیر» - تعبیر از دکتر روزبه زرّین‌کوب - در تمام زندگی پُربار و پُربرکت خود، جز مطالعه و عشق به دانایی و دانستن و تفکر و تألیف و پویایی هر روز بیش از روزهای قبل با زندگی آرام و ساده زیستی خود، هر جا که رفت و هر کار که کرد جز خواندن و تفهیم بیشتر برای نسل پس از خود نبود. در این باره ایشان در کتاب «نقش بر آب» چنین زیبا نگاشته است:

«باری در ماجراهای بی‌ماجرای یک عمر شصت ساله، که تقریباً یکنواخت و به هر حال آنگونه که مقتضای زندگی یک معلم دیرینه سال است بی‌جزر و مدّ به نظر می‌آید، اگر با رهایی از دن کیخوته‌یی که سالها شکنجه‌ام داد؛ توانسته باشم از خودی خود چیزی وری آنچه در رویای پدرم بود بسازم و هرطور هست از «پسر بچه»یی که می‌توانست عمری را پیشه‌ور یا کشاورز باقی بماند معلمی را که هر چه بود جز در «جست‌وجوی حقیقت» عمر نگذاشت به وجود آورم، برایم مایۀ خرسندی است. اما از اینکه نتوانسته‌ام جز همین که هستم چیز دیگر باشم و از آنچه در حیات مردان نامی پلوتارک خاطرم را می‌نواخت بی‌بهره ماندم تأسف ندارم.»^۴

سفرهای بسیار استاد به نقاط مختلف جهان برای تحقیق و آشنایی بیشتر، دانستن و آموختن زبان‌های فرنگی، نگارش و تألیف کتاب‌ها و مقالات فراوان، تدریس در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های جهان آن روز، همکاری با مؤسسات علمی داخلی و خارجی در

۱. در این باره بنگرید به مقالهٔ «زرّین‌کوب و مولانا» از دکتر مصطفی گرّجی در کتاب ماه، ادبیات، سال اول، شمارهٔ ۷ ش پیاپی ۱۲۱، آبان ۱۳۸۶.

۲. همان، ۱۷.

۳. همان، ۱۹.

۴. نقش بر آب، ۹۴.

امر لغت نویسی و تاریخ نگاری خاصه تألیف یک جلد تاریخ نگاری دانشگاه کمبریج، سخنرانی در مجامع علمی - ادبی خارج از کشور و داخل ایران، همکاری با برخی مجلات ادبی داخلی کشور، ایجاد طرح های پایدار در گروه زبان و ادبیات فارسی، شرکت در کنگره های بزرگ و بین المللی ادبیات و علوم تاریخی، آشنایی با برخی از بزرگترین دانشمندان سرشناس آن روز نظیر هانری ماسه، ولادیمیر مینورسکی، گوستاو فن گرونه باوم، والتر برونو هنینگ، فیلیپ حتّی، برنارد لونیس، برتولد اشپولر، ژیلبر لازار، هلموت ریتز، الساندرو باوسانی و دیگران که نمی توان تمام آنان را یک به یک نام برد و از بزرگان ایران اشخاصی چون: علامه محمد قزوینی، سید محمد علی جمالزاده، آقا بزرگ علوی، مجتبی مینوی، محمد معین، ذبیح الله صفا، پرویز ناتل خانلری، بدیع الزمان فروزانفر و... مضاف بر این ها داشتن نثری بسیار جاندار و پویا همسو با موضوعاتی که می نگاشت. وجود ذهنی خلاق و حافظه ای بسیار فوق العاده، دانش وسیع و حیرت آور، خاصه منتقد بزرگی بودن، بویژه دانشمندی سترگ با تربیتی علمی و آکادمیک و باوقار، دوری از تعصب و یک جانبه نگر، پرهیز از قشری نگری و تنگ نظری، استادی مهربان و فهیم و دانا، آشنایی با معارف قدیم و دانش انسانی جدید، داشتن نگرشی تاریخی و در زمانی به پدیده های ادبی و تاریخی از خصال بارز و شاخص استاد است.^۱

سرانجام زرّین کوب در دهه هفتاد بخشی از کتابخانه خود را به شهر بروجرد که از همانجا برآمده بود و بدانجا نیز دل گرو داشت؛ اهدا کرد. - تعدد بیماریها به جز بیماری قلبی که عارضه خانوادگی ایشان بود و میراثی بود که از اخلاف به او رسیده بود، دست به گریبان بود، او را می آزد و به تعبیر ایرج افشار، دوست دیرین استاد، «در یک سال آخر دستش و فکرش از خدمت کردن به فرهنگ ایران بازمانده بود».^۲

این «استاد لرستانی» - تعبیر از حمید ایزدپناه در جشن استاد در سال ۱۳۵۴ در بروجرد - هر چه کرد و هر چه نوشت از عشق به ایران و وطن دوستی بی شائبه او بود. بی شک وجود این دانشی مرد، در تاریخ معاصر ایران یکی از بزرگترین و بهترین و زلال ترین سرچشمه های آگاهی بخشی ادبی - فرهنگی کشور ماست. اگرچه هرگز قدر او بدرستی دانسته و شناخته نشد. «پیکرش چند بار بُرش برداشت، شاید دور نباشد اگر بگوییم زجرکش شد».^۳

۱. یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرّین کوب، صص ۲۱ - ۲۰.

۲. نامه فرهنگستان، ۱۷، سال چهارم، شماره ۲ - تابستان ۱۳۷۷.

۳. مجله بخارا، ص ۲۴۶، مقاله «سابقه دوستی با زرّین کوب» سال ۹۱.

جان گرامی به پدر باز داد کالد تیره به مادر سپرد

زنده‌یاد بانو دکتر قمر آریان، همسر فقید زرین‌کوب که بیش از نیم قرن شریک عمر ایشان بود درباره‌ی زرین‌کوب معتقد بود: «درباره‌ی کارهای او که در بعضی از آنها نیز سهم کوچکی داشته‌ام دوست ندارم، چیزی بنویسم، قضاوت در آن باره کاریست، که باید دیگران آن را برعهده بگیرند. در مورد این کارها چیزی که برای من جالب است؛ حوصله فوق‌العاده‌ی او در جست‌وجو است. عیدی ماه‌ها و سالها با آنچه موضوع کار اوست زندگی می‌کند، همه‌چیز را در آن باره می‌خواند و بررسی می‌کند، در هر چه به آن مربوط است مدتها فکر و تأمل می‌کند و با هر عبارت که می‌نویسد حسابی جداگانه دارد.»^۱ بنا به گفته‌ی ایرج افشار «حاصل عمر زرین‌کوب عبارت است از پانزده سال تدریس در دبیرستان‌های خرم‌آباد و بروجرد و تهران. چهل و دو سال تدریس در دانشگاه تهران و دانشگاه‌های دیگر. چهل عنوان کتاب در قلمروهای نقد ادبی، تاریخ ادبیات، تاریخ ایران و اسلام، کلام و فلسفه و عرفان و نقل کتاب‌هایی از زبان‌های دیگر به فارسی. تعداد زیادی مقاله و خطابه، شاید چهارصدتا.»^۲

به زعم ما، مادر گیتی دیگر چنو فرزندی نزايد! این سخنی گزاف نیست. در این باره بهتر است این سیر زندگی و طرز جهان‌بینی استاد را همراه با نثر شیوای وی دنبال کنیم:

«اکنون هم با آنکه سالهاست معلمی کرده‌ام و حتی پاره‌یی چیزها نوشته‌ام، که عده‌یی نیز در آنها به چشم اعتنا نگریسته‌اند، احساس می‌کنم در حال حاضر نیز بعد از پنجاه و چهار سال که از ورودم به دهلیز دبستان می‌گذرد باز مثل همان کودک شش‌ساله‌ی مکتبی بی‌خیال و خوشحال و ساده‌دل مانده‌ام... حالا سالهاست از شهر و دیار خویش و از آن روزهای پرشور و خیال‌انگیز دبستان دور افتاده‌ام: پدرم مرده است، مادر و مادر بزرگم رفته‌اند... معلمان مدرسه‌ام هر یک به گوشه‌یی فرا رفته‌اند... داغ برادران و فقدان مادر و پدر مرا به حال کسی انداخته است، که گویی دارد قدم به قدم جنازه‌ی خود را تشییع می‌کند. عظیم - آخرین و کوچکترین برادر بر جای مانده‌ی استاد - که با رهایی از بار تأهل، تجرد بازیافته‌ی خود را در دنیای شعر و موسیقی پربار می‌سازد... خودم هم چنانکه لازمه‌ی این سن است، پیر شده‌ام. بیماری و خستگی در این غربت غربی - فرانسه - آزارم می‌دهد. خواهرهایم در گرفتاریهای زندگی خویش نمی‌توانند از شهر و دیار خود خارج شوند و بار تمام محنت‌ها

۱. همان، ۲۶۹.

۲. نامه‌ی فرهنگستان، ۱۷ - سال چهارم، شماره ۲ - تابستان ۱۳۷۷.

و مرارت‌های من که حاصل سالهای پرنشیب و فراز یک عمر شصت ساله است اینجا بر دوش همین همسر و همسفر بلاکش و نازنین و مهربانم افتاده است، که با محبت و شکیبایی مسیح‌آسایی بار گران وجود فرسوده و نالان مرا که جز یک دانشجوی سالخورده اما کودک‌گونه‌یی نیستم، همچون صلیب یک سرنوشت اجتناب‌ناپذیر بر دوش و گردن خود دارد... به هر تقدیر من کاری بزرگتر و پرارجتر از معلمی نکرده‌ام و تازه هر چه و رای آن کرده‌ام نیز کوشش‌هایی بوده است، که یا آنها را سرچشمه لذات روحانی خویش می‌یافته‌ام یا در به‌جا آوردن آنها می‌خواسته‌ام برای برخی پرسشهای خویش پاسخ‌هایی که لامحاله برای خودم مایه اطمینان خاطر تواند بود جستجو کنم...

در نقد شعر هم از درگیری به آنچه «منتقد» را در مشاجرات حادّ هر روزینه وارد می‌کند عمداً پرهیز کردم چرا که این مشاجرات محیط تفاهم می‌خواهد و بدون آن هر چه به نام نقد عرضه شود نقد بازار است و اگر اینگونه نقد هنوز بعد از سالها در نزد ما همچنان ضعیف و بیمارگونه می‌نماید مورث تعجب نیست، هر چند مایه تأسف هست...

بعد از پنجاه و چهار سال که همچنان در دهلیز مدرسه بیهوده به دنبال آن موسیقی گرم از یادرفته مرغان گرفتار می‌گردم، این خرسندی را دارم که می‌توانم در آنچه کرده‌ام و آنچه گفته‌ام در آنچه خوانده‌ام و در آنچه نوشته‌ام ردّ پای تمام این عمر شصت ساله را نشان جویم. حساب تمام لحظه‌ها و دقیقه‌های آن را با دل آسانی و خرسندی برشمرم و از آنچه گفته‌ام و کرده‌ام یا خوانده‌ام و نوشته‌ام خود را هرگز پشیمان و ناخرسند نیابم. تا اینجا شصت منزل از این راه دیرباز زندگی را در سختی و آسانی طی کرده‌ام و نمی‌دانم چند منزل دیگر باقی است، اما می‌دانم که هر جا این سیر و پویه‌ام قطع شود کسانی که من از طریق بحث و درس و تعلیم و تصنیف در وجود آنها «ضرب» شده‌ام چیزی از اندیشه، از احساس و از آرمان مرا نیز همراه خود به نسل‌های آینده و دنیایی که سال به سال همراه با نوروز ولادت می‌یابد و تجدید می‌شود و پیش می‌رود خواهند برد و به هر تقدیر روزی که هیچ نشانی از سیمای روح و جسم من پیش نظرها نیست؛ باز چیزی از احساس و اندیشه‌ام اینجا و آنجا باقی است...

باری نوروز پیر هم اکنون دارد به اینجا هم می‌آید و من که می‌دانم دیگر جز سال‌هایی معدود با او فرصت دید و بازدید ندارم، با آنکه خود در مدتی که از عمر آشنایی ما می‌گذرد یک دو روز از او هم پیرترم در او باز به چشم حرمت می‌نگرم و بدین گونه هر بار که نوروز از راه می‌رسد، احساس می‌کنم، که من نیز با «سرمدیت» آن در دنیایی که ممکن

است بهترین دنیای ممکن هم نباشد و در عین حال بهترین بودنش هم غیرممکن نیست، تولدی دوباره پیدا می‌کنم... این عشقی است که جان مرا با هر چه زیباست و هر چه انسانی است پیوند می‌دهد و بقای آن بعد از فنای من نیز همچنان ممکن است، غیرممکن نیست.^۱

(پاریس ۱۳۶۱)

عبدالحسین زرّین‌کوب سرانجام در هفتاد و هفت سالگی به جهت بیماری قلبی و برخی کسالت‌های طاقت‌گیر، زندگی سرشار از ارزش او که جز کتاب و تحقیق با چیز دیگری سروکار نداشت؛ در شهریور ماه ۱۳۷۸ به پایان خود رسید - یادش گرامی و نامش جاوید.

محمد رضا شعبانی